تازه‌دامادی که قربانی آرزوهای یک نوجوان شد

براساس خاطره‌ای از سرهنگ صالح عبدی‌نژاد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ نزدیک ظهر بود و آفتاب بی‌رمق زمستانی از پشت پنجره خود را تا وسط اتاق رسانده بود. با لیوانی چای در دست کنار پنجره نشسته و به رفت و آمد ارباب رجوع در محوطه حیاط اداره چشم دوخته و غرق در افکارم بودم که صدای سلام یک زن مرا به خود آورد، وقتی برگشتم زنی جوان را در آستانه در اتاق دیدم، مضطرب و آشفته گفت: «جناب سرهنگ، نامزدم شب گذشته از خانه ما در محدوده غرب تهران خارج شد تا به خانه‌اش در محدوده شیان برود. اما دیگر خبری از او ندارم، هر چه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم، خاموش است. شهرام، آدمی نبود که بدون اطلاع جایی برود. به مقابل خانه‌اش رفتم اما نه از خودش خبری است و نه از ماشینش. خانواده‌اش هم از او بی‌خبر هستند حالا هم همراه پدرش به اینجا آمده‌ام و درخواست کمک دارم.»

مرد میانسال با تأیید حرف‌های عروسش گفت: «پسرم به ما گفت به خانه نامزدش می‌رود اما هر چه منتظر ماندیم خبری از برگشتش نشد، فکر کردیم آنجاست اما وقتی فهمیدیم از خانه آنها برگشته و به خانه نرسیده نگرانش شدیم. او راننده تاکسی اینترنتی است، نمی‌دانم بین راه چه اتفاقی برایش افتاده است.»

با این اطلاعات بلافاصله مشخصات مرد جوان و شماره پلاک خودروی شهرام را که پژو پارس بود، گرفتم. با هماهنگی مرجع قضایی دستور بررسی دوربین‌ها صادر شد و بازبینی دوربین‌ها نشان می‌داد شهرام در محدوده جنت‌آباد ناپدید شده است. از آنجا که خانه نامزدش در مسیر تردد منطقه جنت‌آباد نبود احتمال دادیم بین راه مسافری به آن مقصد سوار کرده باشد.

استعلام شماره پلاک

با این احتمال با مرکز پشتیبانی خودروهای اینترنتی تماس گرفته و استعلام کردم خودرویی با مشخصات خودروی شهرام، در لیست خودروهای شماست. حدسم درست بود و اعلام شد که شب حادثه پسری به نام آرمان، درخواست خودرو داده و شهرام نیز آن را پذیرفته اما مسافر درخواست خودرو را لغو کرده است، به‌طوری‌که تصور می‌شد او سوار خودرو نشده است.

در استعلام هویت آرمان، متوجه شدیم او ۱۷ ساله و اهل یکی از شهرستان‌های غربی کشور است. همزمان به بررسی پلاک خودرو پرداختیم و مشخص شد که خودرو به سمت یکی از شهرهای غربی کشور در حال حرکت است.

بلافاصله با پلیس شهرستان مورد نظر هماهنگ کرده و از آنها خواستیم خودرو را متوقف کنند. آنها نیز ایست بازرسی گذاشتند و خودروی شهرام را مشاهده می‌کنند، اما راننده خودرو با دیدن مأموران خودرو را رها کرده و فرار می‌کند.

طبق اظهارات مأموران، سرنشینان خودرو دو پسر جوان بودند اما چهره‌های آنها را به‌خوبی ندیده بودند. محلی که خودرو رها شده بود، در نزدیکی شهرستان محل زندگی آرمان بود. به مأموران گفتم بی‌شک یکی از سرنشینان خودرو آرمان است و احتمالاً به خانه پدری‌اش می‌رود و در آنجا پناه می‌گیرد، به آنجا بروید.



پیشنهاد شوم

مأموران هم راهی محل شده و خانه پدری آرمان را زیر نظر گرفتند و زمانی که آنها قصد ورود به خانه را داشتند، دستگیر شدند.

به آنها گفتم همانجا از دو پسر تحقیق کنند تا مشخص شود چه سرنوشتی برای شهرام رقم خورده است. ساعت ۸ شب بود که مأموران پلیس آگاهی شهرستان مورد نظر مقابل آرمان قرار گرفته و از او در رابطه با شهرام سؤال کردند.

آرمان ابتدا منکر ماجرا شد اما در برابر مدارکی که در دست داشتیم، اعتراف کرد و گفت: «همیشه حسرت پولدار شدن داشتم، پوشیدن کفش و لباس گرانقیمت و مارک و خرید هر آنچه دلم می‌خواست آرزوی بزرگ من بود. چندی قبل با یکی از بچه‌محل‌هایم مشغول صحبت بودم و از آرزوهایم می‌گفتم که او گفت اگر بتوانی ماشین سرقت کنی و برایم بیاوری به ازای هر ماشین چند میلیون تومان به تو می‌دهم و خیلی راحت پولدار می‌شوی و به آرزوهایت می‌رسی. من هم وسوسه شدم و به همراه یکی از دوستانم راهی تهران شدیم. ماشینی را اینترنتی کرایه کردیم و من در صندلی عقب نشستم و دوستم در صندلی جلو، وقتی راننده شروع به حرکت کرد و وارد یکی از خیابان‌های خلوت جنت‌آباد شد از عقب دستمالی دور گردن راننده انداختم و آنقدر فشار دادم که تقریباً نیمه‌جان شد. با همدستی دوستم دست‌ها و پاهایش را بستیم و او را به صندوق خودرو انتقال دادیم. بعد از آن به سمت منطقه کوهسار حرکت کردیم و او را به یکی از درخت‌های آن منطقه بستیم، بعد هم خودرواش را سرقت کرده و شبانه به سمت زادگاهمان به راه افتادیم تا خودروی سرقتی را تحویل دهیم و پولم را بگیرم، البته برای اینکه رد گم کنیم بعد از سوار شدن به خودرو سفر را لغو کردیم تا کسی نتواند ردمان را بزند.»

با اطلاعاتی که پسر نوجوان در اختیارمان قرار داد، با یک تیم ۱۰ نفره راهی منطقه کوهسار شدیم. شب بشدت سردی بود برای پیدا کردن او وجب به وجب آن منطقه را جست‌وجو کردیم. از تپه‌ها بالا می‌رفتیم و به خاطر یخ‌زدگی زمین بارها از بالای تپه‌ها به زمین افتادیم. با چراغ قوه، لابه‌لای تمام درخت‌های منطقه را بررسی کردیم اما هیچ اثری از شهرام نبود. امیدوار بودیم که بتوانیم شهرام را زنده پیدا کنیم، اما هیچ ردی از او به دست نیاوردیم.

مردی در میان درختان

تا ساعت دو بامداد تمام آن محل را جست‌وجو کردیم اما نتوانستیم شهرام را پیدا کنیم، درنهایت با پلیس شهرستان مورد نظر تماس گرفتم و گفتم اثری از شهرام نیست، به نظر می‌رسد متهم واقعیت را نگفته است. آرمان که کتمان حقیقت را بی‌فایده می‌دید، این بار نشانی محل جدیدی را اعلام کرد و گفت: «در منطقه کوهسار یک رستوران خانوادگی قرار دارد، جاده‌ای از کنار رستوران می‌گذرد و به طرف بالا می‌رود. آنجا سه باغ است که در یکی از باغ‌ها باز است ما شهرام را آنجا به درخت بستیم.»

از همانجا راهی آدرس جدید شدیم، سر بالایی و شیب زیادی بود و با اینکه هوا واقعاً سرد بود، اما من که با سرعت در حال حرکت بودم تا هر چه سریع‌تر خود را به باغ برسانم، خیس عرق شده بودم.

در میان راه، سرایدار یکی از باغ‌ها به من مشکوک شده بود، وقتی به او گفتم پلیس هستم و دنبال باغی می‌گردم که درش باز است نشانی را داد و درنهایت به باغ رسیدم. وقتی داخل باغ رفتم در لابه‌لای درخت‌ها، از دور پسر جوان را دیدم که دست و پا بسته به یک درخت زنجیر شده و روی پاهایش نشسته بود.

با دیدنش خوشحال شدم و از دور صدایش کردم: شهرام، شهرام. اما او جواب نمی‌داد هر چه بیشتر به او نزدیک می‌شدم بیشتر امیدم را از دست می‌دادم. وقتی نزدیکش رسیدم متوجه شدم شهرام مرده است. آنها گردن و دهان شهرام را هم بسته بودند و همین مسأله باعث شده بود پسر جوان بعد از ساعاتی خفه شود و جانش را از دست بدهد.

باورم نمی‌شد که به خاطر آرزوهای پیش‌پاافتاده یک نوجوان، مرد جوانی که در تلاش برای پیدا کردن نان حلال و تشکیل خانواده و ازدواج بود به این شکل هولناک جانش را از دست داده باشد. در نهایت عاملان قتل به تهران منتقل شده و بعد از بازسازی صحنه و تکمیل تحقیقات به زندان منتقل شدند.

هشدار پلیس

راهکارهای مهم برای پیشگیری از سرقت منازل

یکی از انواع سرقت که این روزها شاهد وقوع آن به شیوه‌های مختلف در کشور هستیم، سرقت از خانه‌هاست. سرهنگ کارآگاه اصغر خدائی، سرپرست پلیس آگاهی پایتخت برای اینکه مردم کمتر طعمه سارقان شوند راهکارهایی ارائه داد که عمل به این توصیه‌ها می‌تواند مؤثر باشد.

به طور معمول در خانه‌هایی که اجاره داده می‌شوند باید بعد از رفتن مستأجر قبلی حتماً توپی قفل و کلید درهای ورودی و اصلی تعویض شود. از نگهداری وجوه نقد و طلاهای زیاد در منزل و در یک مکان مشخص و ناامن جداً خودداری شود. در مجتمع‌های مسکونی ورود و خروج افراد ناشناس زیر نظر باشد و اگر از نیروهای خدماتی (مستخدم) استفاده می‌شود در انتخاب این افراد دقت و تحقیق شود. در زمان عزیمت به مسافرت حتماً منزل خود را به شخص امین یا کلانتری محل بسپارید.

سوابقی از مشخصات و جزئیات اموال باارزش و ذی‌قیمت خود تهیه کنید و داشته باشید که به محض وقوع سرقت بتوان از آن استفاده و به پلیس اعلام کرد. از روشن گذاشتن مدام لامپ خانه خودداری شود و استفاده از تایمر برای روشنایی منازل در شب ضروری است. در هنگام ترک منزل حتماً در ورودی منزل، در حیاط، پنجره‌های مشرف به کوچه و درهای مشرف به بالکن را قفل نمایید.

در زمان مسافرت‌های طولانی به داشتن قفل‌های کتابی، کامپیوتری و حفاظ بسنده نکرده و منزل را به فردی مطمئن بسپارید. در زمانی که خانه تنها هستید در را برای افراد ناشناس باز نکنید حتی اگر خود را مأمور آب و برق و گاز و پست معرفی کنند. تلفن‌های تماس پاسگاه و کلانتری محل را یادداشت و به خاطر داشته باشید.

اگر دسته کلید خود را گم کردید یا به طرز مرموزی ناپدید شد، نسبت به تعویض قفل‌ها اقدام کنید. سارقین حرفه‌ای از محل‌های احتمالی نگهداری و اختفای طلا و جواهر و وجوه نقد اطلاع دارند؛ اگر نمی‌خواهید زیورآلات قیمتی را در مسافرت‌ها همراه خود داشته باشید، به صندوق‌های امانات بسپارید. عده‌ای از سارقین با همراه داشتن گل و شیرینی و تحت پوشش میهمان یا اینکه به دنبال آدرس می‌گردند، نسبت به شناسایی منازل خالی از سکنه اقدام می‌کنند؛ مراقب این ترفند باشید.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۴۰**

جدول عادی

افقی

۱ - آرشیو - سرچشمه، منشأ
۲ - عذاب و شکنجه - مخلص - بوکسور
۳ - نمونه نمایشی - شهر زیتون - نردباز ماهر
۴ - حصیر بافتنی - بیکاره - لال و نامفهوم - عدد تیزپا!
۵ - اشاره به دور - بیمارستان تهران - همیشگی
۶ - مثل و نظیر - نام کوچک «پاستور» - معلق
۷ - دریاچه خرم‌آباد - ماه میلادی - کشتزار
۸ - پرنده کشتزار - فحش - اسلوب
۹ - ناحیه تحت فرمان - مجبور به کاری - از مصالح ساختمانی
۱۰ - از الفبای فارسی - جنگ با معاویه - قاضی
۱۱ - دعا، پرستش - گواهان - آوای درشت
۱۲ - حرف تعجب - فرزند - ویتامین انگور - ضد «کلفتی»
۱۳ - خورشت خوشمزه - رود ایران - دستاویز
۱۴ - مایع زردرنگ کبد - خطاب بی‌ادب - دیگ دهان‌گشاد
۱۵ - اثر همام تبریزی - یکی از جذاب‌ترین نقاط شمال ایران

عمودی

۱ - هواپیمای کاغذی - رنگین‌کمان
۲ - امتحان - لباس بی‌آستر - برادر سلم و تور
۳ - سرگرد قدیم - حاصل ترشح غدد - زمان مقرر
۴ - مخفف اگر - از اعداد ترتیبی - ناشنوا - نام «کرایف» اسطوره فوتبال
۵ - امتداد - خیابانی در تهران - پسوند برخی آش‌ها
۶ - پهلوان - بی‌جنبش - فدراسیون شطرنج
۷ - اتحاد و صمیمیت - آشفتگی - جاده
۸ - صفت چای - کشور «بیروت» - پول خون
۹ - فضای خالی از هوا - ذکرها، دعاها - استان «ارمنستان»
۱۰ - ورزش خشن - اصل و مایه - هلاکت
۱۱ - ناخن ستور - همنشین و همدم - از توابع کاشان
۱۲ - احساس نیاز به آب - سرما - نوشتار مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ کنونی هند - مرطوب
۱۳ - روپوش کفش - سرمربی پرسپولیس - زیادی و هرز
۱۴ - اسیر نیست - قول و قرار - بزرگ ایل
۱۵ - میوه پرآب - خودروی باری بزرگ‌تر از وانت

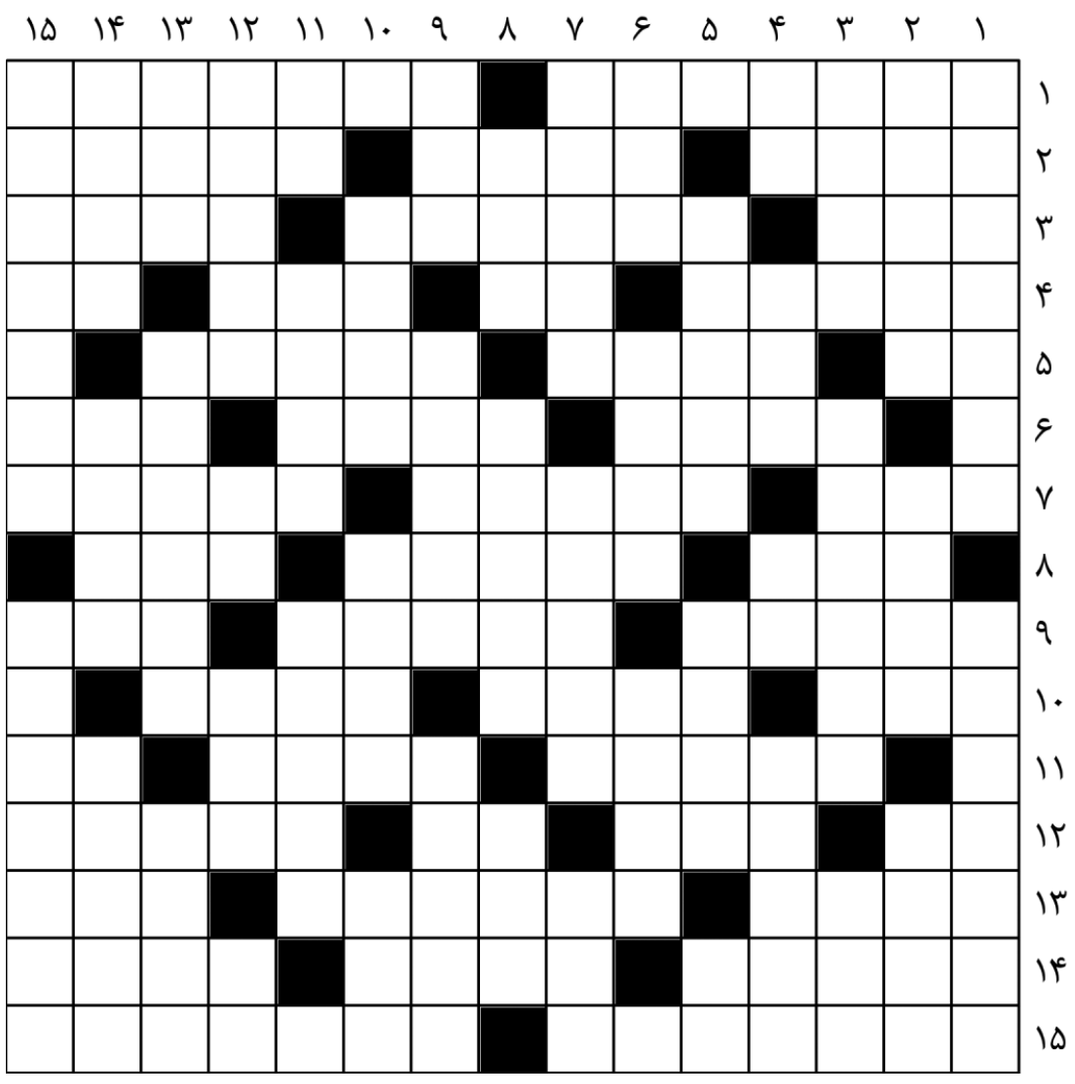
جدول ویژه

افقی

۱ - گرمابه تاریخی «بستک» هرمزگان - گیاهی طبی
۲ - تحریک کننده - مقابل «مؤنث» - گسترده شده
۳ - پخش و پلا - اعضای یکدیگرند - نام دخترانه
۴ - شهر شمالی - رود «سوئیس» - زبانی در کشورمان - خودروی جمعی
۵ - شهر «بلژیک» - خوش قد و قامت - انتخاب
۶ - والده - خاموش - از واحدهای سنجش
۷ - روستایی از توابع بخش «بلده» شهرستان نور - بایکوت - شهر استان یزد
۸ - اینک - همانند - فلج
۹ - پرتوافکنی - پشه مالاریا - فیزیکدان آلمانی
۱۰ - ضلعی در مثلث - دوستی - تن‌آسا
۱۱ - راهنمایی کردن - شادمانی و خرمی - شکم‌بند
۱۲ - حرف تأسف - تنابه - ناشنوا - پدید آوردن
۱۳ - نام پسرانه - طناب - آفت
۱۴ - سومین مرحله زندگی حشره - ظرف آزمایشگاهی - مدرن
۱۵ - فیلم «لوئیس بونوئل» - گیاه آپارتمانی

عمودی

۱ - پادشاه بابل - فیلم سعید سهیلی
۲ - شهر استان مرکزی - ترس و بیم بسیار - یک بازی رایانه‌ای
۳ - بن درخت - مسابقه شعرخوانی - از لوازم اداری
۴ - سرراست - ستاره بنات‌النعش - سماق - مایه نشاط و خرمی دل
۵ - سردی - کشور «مسقط» - آقای آلمانی
۶ - کشور مبارک - آمرزش - بیسکویت ترد
۷ - بیهوده‌گویی - دلیری - سخنان نامربوط فرد تب‌دار
۸ - جوهر آدمی - پاسداری - علامتی در ریاضی
۹ - سنگ زیرین آسیا در کشاکش دهر - غذای فرنگی - هویدا
۱۰ - متعهد شده - شنبه آغاز آن است - تهمت!
۱۱ - سرما - ضرباهنگ - شهر استان اصفهان
۱۲ - لعنت - سیاهدانه معطر - نام زنانه فرنگی - بی‌سابقه
۱۳ - مرهون - نوعی نان شبیه فتیر - ترسو
۱۴ - ورزشی بین‌المللی - پاکت پلاستیکی - از عناصر شیمیایی فلزی کمیاب
۱۵ - غذای گیلانی لذیذ - همسر کمبوجیه یکم



حل جدول عادی شماره ۹۱۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ن	چ	ا	ق	ک	■	ر	ا	ش	ی	ت	ی	س	م
۲	ی	ا	ف	ت	■	س	م	ا	ک	■	ک	ب	ا	ل	ت
۳	م	س	ت	م	ر	■	خ	د	ن	گ	■	ر	و	م	■
۴	ا	ر	ک	■	ب	و	ف	■	ه	و	ا	■	ر	ا	م
۵	ی	ه	■	ت	ع	ر	ی	ق	■	ا	چ	ر	ی	■	ی
۶	خ	■	ا	ر	ی	■	س	و	ا	ه	م	ه	■	ه	ر
۷	ا	ل	و	ا	■	ا	ص	ل	ی	■	ا	ن	د	ر	ز
۸	ن	ا	ن	■	م	ی	ا	ن	س	ا	ل	■	ر	ه	ا
۹	و	ل	گ	ر	د	■	م	ا	ت	م	■	ز	ی	ر	ک
۱۰	ا	ا	■	ب	ی	س	ت	م	■	ل	ک	ل	ک	■	و
۱۱	د	■	چ	ا	ن	ب	■	ه	د	ا	ی	ت	■	و	چ
۱۲	ه	م	ی	■	ه	و	ن	■	ن	ح	س	■	ر	ا	ک
۱۳	■	ش	ر	ح	■	س	و	ا	د	■	ت	و	س	ر	خ
۱۴	ن	ک	ی	س	ا	■	ا	ب	ه	ر	■	ر	ا	ن	ا
۱۵	ق	ل	ا	ب	د	و	ز	ی	■	س	ا	ز	م	ا	ن

حل جدول ویژه شماره ۹۱۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ا	و	ا	ش	ی	■	ش	ب	ش	ب	ا	■	ا	س
۲	ی	س	ا	ل	■	ک	ه	ن	ه	■	ا	گ	ا	و	ت
۳	و	ا	ر	ی	س	■	م	و	ن	ث	■	ر	س	■	■
۴	د	ی	د	■	پ	ا	س	■	ا	ق	ا	■	م	س	ا
۵	و	ش	■	س	ر	س	ر	ا	■	ی	د	ک	ی	■	ب
۶	ر	■	چ	و	ی	ا	■	ک	ا	ل	ب	د	■	ا	ت
۷	ا	ب	ه	ت	■	ر	ا	و	د	■	ا	ه	■	ن	ن
۸	ش	ت	ا	■	ت	ا	م	س	ا	ی	ر	■	ب	ا	ی
۹	ت	و	ز	ر	د	■	ا	ت	ر	ک	■	چ	و	ب	ک
۱۰	ر	ن	■	ب	ا	ت	ر	■	ی	م	س	ل	ک	■	ن
۱۱	و	■	خ	ا	ر	چ	■	ک	ب	ک	ی	ه	■	■	ک
۱۲	م	ب	ل	■	ک	س	ب	■	ا	ن	د	■	ب	ی	د
۱۳	■	ن	خ	ل	■	س	ی	ص	د	■	ه	م	ر	ن	گ
۱۴	م	د	ا	ی	ن	■	ح	ی	ف	■	ش	ن	و	ا	ا
۱۵	ک	ی	ل	و	ب	ا	ی	ت	■	ن	ا	و	د	ا	ن